

نگاه

روزی که امام فریاد زد به داد اسلام برسید

حجت‌الاسلام اسلامی‌تربیتی*

● سال ۴۲ بود که امام خمینی(ره) فریاد زد: ای علمای اسلام به داد اسلام برسید. ای اقم، ای نجف، ای مشهد، ای اصفهان به داد اسلام برسید. از معدود افرادی که به پاسخ امام در آن زمان لبیک گفتند، مرحوم آیت‌الله شیخ علی اصغر مروارید بود. قبل از آن هم پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی، بزرگ مرجع تقلید شیعیان جهان، ۱۲ نفر از مدرسین بزرگ حوزه که در رأس آنان مرحوم آیت‌الله منتظری بود، اعلامیه‌ای منتشر کردند که مضمون آن چنین بود: با مصائب و مشکلاتی که برای جهان اسلام پیش آمده به صلاح اسلام و مسلمین است که مؤمنین از آیت‌الله خمینی تقلید کنند. برخی از آقایان هم معظله را واجد شرایط تام تقلید دانسته بودند. این اعلامیه را مرحوم حاج‌آقای مروارید در مسجدجامع بازار تهران روی منبر خواند که سبب تبعید ایشان به شهرستان زابل شد و هر یک از آن ۱۲ شخصیت را نیز به یکی از شهرستان‌ها تبعید کردند. پس از آن هم مدتی طولانی در خلخال (هرو آباد) در تبعید به سر برد و این در زمانی بود که فقیه عالی‌قدر مرحوم آقای منتظری هم در خلخال تبعید بودند و جالب است که آیت‌الله منتظری در خلخال اقامه نماز جمعه هم می‌کردند؛ با اینکه ساواک مردم را ترسانده بود که در نماز جمعه ایشان شرکت نکنند و خود این‌جانب یک روز جمعه که به خلخال رفته بودم شاهد شرکت گسترده مردم در نماز جمعه بودم. نکته دیگر که قابل ذکر است اینکه کمتر زندانی در تهران بود که آقای مروارید آن را ندیده باشد. در زندان قصر هم‌زمان با مرحوم آیت‌الله طالقانی و مرحوم مهندس بازرگان هم‌بند بود. زندان‌های دیگری که دیده بود عبارت بودند از: قزل‌قلعه، زندان شهرپاکی و زندان قزل‌حصار کرج. گفتنی است که گاهی که ایشان دستگیر می‌شد، خانواده‌های ایشان هیچ‌گونه اطلاعی از وضع آن مرحوم نداشتند و نمی‌دانستند که چه به سرش آمده است و بنابراین مجبور بودند که به همه زندان‌ها مراجعه کرده و جویای حال ایشان شوند. ایشان در بعضی از این زندان‌ها مورد شکنجه‌های قرون‌وسطایی قرار می‌گرفتند، اما استقامت قابل‌تقدیری از خود نشان می‌دادند و با اینکه وعده‌هایی گوناگون از نظر مالی و مقامی به ایشان داده می‌شد، هرگز از هدفشان که تشکیل نظام عادلانه اسلامی بود دست برنداشتند. رحمت خدا بر او که عمری را در مسیر خدمت به اسلام و مسلمین و آگاه‌کردن مردم سپری کرد؛ چه آن زمان‌ها که بر منبر می‌رفت و چه در مدت‌زمانی که امام‌جماعت مسجد مهدیه در سهراب شهرو بود و چه هنگامی که پس از پیروزی انقلاب مدتی رئیس کمیته بود و چه بعد از آن که به مسائل حوزوی و فقهی روی آورد و کتاب‌های فقهی بسیاری از فقهای بزرگ شیعه و سنی را تصحیح، مقابله و تنقیح کرد و به چاپ رساند (از زمان مرحوم شیخ مفید تا زمان مرحوم حاج‌آقا رضا همدانی) و در همین راستا کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی و کتاب لمعه شهید هم جزء اینها بود. رحمه‌الله علیه رحمه واسعه

✽پژوهشگر دینی و همسر خواهر مرحوم مروارید

خبر

دیدار سیدعلی خمینی بااستادان شعر آیینی کشور

● سایت خبری آستان: سیدعلی خمینی با چند نفر از استادان اشعار آیینی دیدار و گفت‌وگو کرد. حجت‌الاسلام حاج‌سیدعلی خمینی در این دیدار بر لزوم همفکری و همدلی میان استادان ادبیات، شعرا، مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) در رسیدن به یک شیوه و قاعده هماهنگ مبتنی بر ارزش‌های دینی- اسلامی تأکید کرد. او گفت: متأسفانه در برخی هیئت‌های مذهبی آفت‌هایی وجود دارد که شما استادان اهل فن و دل‌سوختگان اهل بیت (علیهم‌السلام) باید از تسری‌یافتن این آفت‌ها جلوگیری کنید. او هم چنین بر لزوم نقش و حضور جوانان در عرصه شعر آیینی تأکید کرد و گفت: حضور شاعران جوان در این عرصه بسیار مهم، اثرگذار و مایه پیشرفت شعر آیینی و مذهبی است. در این نشست، استادانی مانند مجاهدی، انسانی و سازگار به بیان دیدگاه‌های خود درباره شعر آیینی پرداخته و مشکلات و موانع موجود بر سر راه اعتلا و ارتقای آن را بیان کردند.

صفحات مجازی به نام معاون حقوقی رئیس‌جمهور جعلی است

● ایستنا: روابط‌عمومی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور اعلام کرد متعاقب فعالیت عده‌ای در فضای مجازی به نام لعیا جنبیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور، هرگونه ارتباط این صفحات با خانم دکتر جنبیدی تکذیب می‌شود و مطالب مطروحه در صفحات مزبور قابلیت انتساب به ایشان را ندارد.

politics@sharghdaily.ir

مرجان توحیدی: برادرش، آ‌شیخ محمدتقی گفته بود: «... برادرم حاج شیخ علی‌اصغر مروارید در صف اول مبارزان بود...». «السابقونی» که لحظه‌ای در مبارزه از کنار امام خمینی دور نشد؛ اما بعد از پیروزی نهضت، دستی در سفره انقلاب نداشت و بعد از کفایت‌نداشتن سیاسی بنی‌صدر، از سیاست‌کناره گرفت و به اصل خویش بازگشت. به تدوین کتب فقهی قدیمی برای حوزه پرداخت و تا همین دو سال آخر که خانه‌نشین شده بود، به این امر مهم مشغول بود. مهرماه ۹۱، محمدتقی مروارید در ۹۱سالگی از دنیا رفت و برادر دیگر یعنی علی‌اصغر مروارید به تاریخ چهاردهم مرداد ۹۶ در ۹۳ سالگی، سیدحسن خمینی بر پیکرش نماز گزارد و مراسم تشییع او با همراهی چهره‌های انقلابی در حسینه جماران برگزار شد و پیکرش در حرم شاه عبدالعظیم آرام گرفت. مبارز سیاسی سال‌های قبل از انقلاب که بعد از پیروزی شاید کمتر از او گفته شده باشد.

آغاز مبارزه، مردی که در حصر است

مبارزات سیاسی خود را با سخنرانی بر منابر علیه رژیم شاه از سال ۱۳۳۷ شروع کرد. از همین دوران هم دستگیری‌های متعدد او آغاز می‌شود؛ یک بار بعد از ۱۵ خرداد ۴۲. اما در فاصله آزادی، در دفاع از امام همچنان سخنرانی می‌کرد؛ حتی در زمان حصر امام یعنی از مرداد ۴۲ تا فروردین ۴۳. عبدالمجید معادیخواه در مطلبی که درباره حصر امام نوشته بود، شجاعت برخی مانند حجت‌الاسلام مروارید را در ایام حصر ستوده و یادآور شده (او، یعنی مروارید) روی منبر به مردم گفته بود: «مردی که در حصر است در این زمستان خیلی سرد، دغدغه شما را دارد و سفارش به تأمین زغال کرده است...». مروارید به فاصله اندکی در سال ۴۳، دوباره بازداشت می‌شود. همچنین بار دیگر به سال ۴۵.

مروارید به روایت هم‌بندی‌ها

در سال ۱۳۴۷ به مسجد حضرت مهدی(عج) تهران رفت. همچنین یکی از سخنرانان ثابت هیئت انصارالحسین(ع) بود. به خاطر همین سخنرانی‌ها، بار دیگر در سال ۱۳۴۹، دستگیر و به ۱۸ ماه تبعید در ایرانشر محکوم شد؛ این حکم اما در دادگاه تجدیدنظر فسخ و حکم برائت صادر شد. در همان سال، دوباره دستگیر و سه ماه زندانی شد. دوباره در سال ۵۱ دستگیر شد و این بار به سه سال تبعید محکوم شد. محکومیتش در سال ۱۳۵۴ به پایان رسید و به تهران بازگشت و مبارزات سیاسی خود را ادامه داد.

متولد مشهد

علی‌اصغر مروارید در مشهد به دنیا آمد، به سال ۱۳۰۴ هجری شمسی. پدرش شیخ علی فرزند شیخ علی‌اکبر مروارید بود و با آنکه زندگی سختی را در فقر سپری می‌کردند؛ اما خانواده‌ای روحانی‌پرور بودند و از چهره‌های حوزه علمیه قم محسوب می‌شدند. علی‌اصغر مروارید هم پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح، در اوایل ورود مرحوم آیت‌الله بروجردی به قم مهاجرت کرد و سطوح را از مدرسین عالی قم آموخت. درس خارج فقه و اصول را هم نزد بروجردی، مرحوم محقق‌داماد و امام خمینی گذراند. پس‌عومیش، آیت‌الله حاج میرزاحسنعلی مروارید، از علمای حوزه بود و محمدتقی برادر بزرگ‌تر هم در شرح زندگی خود به سوابق مبارزاتی و خانوادگی مرواریدها اشاره کرد: «از مهم‌ترین خاطراتم می‌توانم به سخنرانی حضرت امام در مدرسه فیضیه اشاره کنم که خطاب به شاه فرمود: می‌دهم از مملکت بیرون‌ت کنند! همچنین سفر به عتبات عالیات از بهترین خاطره‌های آن دوران است؛ چون بدون هیچ تشریفاتی می‌توانستیم به آنجا سفر کنیم. زمانی که امام در نجف مشرف بود، موفق شد چندین ماه در درس ایشان شرکت کنم. گاهی به درس آیت‌الله حکیم، آیت‌الله خویی و آیت‌الله سبزواری می‌رفتم. گفتنی است از برادرم حاج شیخ علی‌اصغر مروارید که در صف اول مبارزان بود، درخصوص بعضی مسائل آگاهی می‌گرفتم و به سفارشات ایشان عمل می‌کردم و یک بار هم همراه ایشان به عتبات رفتم.»

در خاطرات شجونی و فروهر

شیخ جعفر شنجونی درباره دوران زندان خود و هم‌بندی‌بودن با علی‌اصغر مروارید، نوشته است: «... زندگی در زندان قصر را باید به دو مرحله تقسیم کرد: اوایل ما زندانی‌ها در آنجا آقای و ریاست می‌کردیم. دستور می‌دادیم برایمان غذا و میوه بیاورند. این وضعیت تقریباً تا سال‌های ۴۵ یا ۴۶ ادامه داشت؛ اما بعدها که ساواک قوت گرفت، دیگر این حرف‌ها قدغن شد. در دوره اول حتی ما با لباس خودمان در زندان بودیم. آیت‌الله طالقانی، من، محلاتی، مروارید، مقدسیان و اعتمادزاده که معمم بودیم، همه با لباس روحانیت در زندان می‌گشتم؛ حتی گهگاه سخنرانی می‌کردیم و روضه‌خوانی داشتیم؛ اما بعدها که ساواک قوی و سخت‌گیری‌ها بیشتر شد، زندان که می‌رفتیم، لباس روحانیت را از ما می‌گرفتند و حتی مثلاً وقتی بعد از دو سال از زندان بیرون می‌آمدیم، اثری از لباس نبود و دست آ‌آز با همان پیراهن و شلوار به خانه می‌رفتیم». داریوش فروهر هم در آخرین مصاحبه خود با مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام در سال ۱۷۷، اشاره‌ای به همین زندانی‌شدن‌ها داشته: «... اگر اشتباه نکنم، چهره‌هایی که الان یاد دارم، چون سلول‌ها یک پنجره‌های نرده‌دار بود، از پشت آن می‌شد بیرون را ببینی و اگر از بیرون داخل را نمی‌شد دید، از پشت که می‌دیدیم من و حاج‌آقا مصطفی، بعضی از روحانیون که در حیاط قدم می‌زدند، آنهایی را که من به یاد می‌آید، شاید حضرت آیت‌الله ربانی‌شرازی بود که من نشناختم، حجت‌الاسلام مروارید، حجت‌الاسلام شجونی، بعد البته بیشتر از روحانیون را به زندان می‌بردند، این دیگر موقعی بود که حضرت امام را به تبعید برده بودند. بعد از ۴۵، یا چهل‌وششمین روز، شاید ۵۱ روز، شما بهتر می‌توانید تاریخ آن را به دست بیاورید...».

روایت‌هایش رفسنجانی

مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در مصاحبه‌ای که به مناسبت سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب با روزنامه

سیاست



مروری بر زندگی مرحوم علی‌اصغر مروارید

مردی که سهمی نخواست

کیهان انجام داده، به فعالیت‌ها در زمان تبعید امام از کشور اشاره کرده و در آنجا به نقش علی‌اصغر مروارید هم اشاره می‌کند. در این مصاحبه به بخشی از اسناد ساواک که مربوط به توزیع نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بوده اشاره شده و آمده است: «... سند دیگری داریم که از شهید بزرگوار، سعیدی، در این سند یاد می‌شود. سند مربوط به سال ۴۸ است. سیدمحمدرضا سعیدی، نوار سخنرانی خمینی را اخیراً به ایران آورده و به یکی از دوستان خود داده بود که روز دوشنبه مورخ ۱۳۴۸/۱۱/۲۷ از جلسه درس عربی که در منزل محمدعلی موحدی‌کرمانی تشکیل شده بود، مورد استفاده افراد حاضر در جلسه قرار گیرد. ولی چون وقت کافی نبود، قرار شد جلسهای برای استماع سخنان خمینی از نوار مذکور در منزل شیخ حسین کاشانی تشکیل شود. لذا از ساعت ۱۳ الی ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۴۸/۱۱/۲۹ محمد امامی‌کاشانی، شیخ علی‌اصغر مروارید، شیخ جعفر جوادی‌شجونی، لاهوتی، نجم‌الدین اعتمادزاده و شیخ علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در منزل کاشانی اجتماع و نوار مذکور را استماع نمودند. شجونی در هنگام گوش‌دادن به نوار گاهی به قدری متأثر می‌شد که اشک در چشمانش حلقه می‌زد. ضمناً مروارید برای کپی نوار مذکور ضبط صوتی را با خود آورده بود، ولی چون سسیم رابط بیاورده بود، نتوانست آن را ضبط نماید.

یک حلقه کپی نوار مذکور و ۹ برگ مطالب از آن پیاده شده، به پیوست ایفاد می‌گردد. نظریه رهبر عملیات؛ اقدام مستقیم در این مورد باعث شناسایی منبع خواهد شد.»
مروارید در جبهه پرخاش سیاسی بود
هاشمی در سال ۷۸ درباره نقشی که مروارید در انقلاب داشت در برنامه «روایت انقلاب» این‌گونه گفته بود: «البته تقسیم‌بندی کرده بودیم. جالب است. آقای بهشتی و آقای باهنر در بخش‌های بنیان‌های فرهنگی مبارزه فعالیت داشتند. من و ... جبهه پر خاشخری را بر عهده گرفته بودیم... این بحث بین ما بود، آقای بهشتی به سازندگی نیروها و تشکیلات سخت معتقد بودند. می‌گفتند: قبل از پیروزی باید حزب، تشکیلات و برنامه حکومتی داشته باشیم. می‌گفتند: مبارزه بعد از این معنا دارد. ما می‌گفتیم: اگر می‌خواهیم صبر کنیم، فرصت می‌گذرد. باید در ضمن مبارزه کارهای فرهنگی داشته باشیم. به همین خاطر تقسیم شد. ما بیشتر به این میدان که علاقه‌مند بودیم، می‌پرداختم، مخصوص ما چند نفر نبود. چون ما به هم نزدیک بودیم، تقسیم کار داشتیم. شهید مفتح بیشتر در دانشگاه کار می‌کردند. ایشان مثل شهید بهشتی جزء شخصیت‌هایی بود که بل پل این حوزه و دانشگاه حساب می‌شدند. در جبهه پرخاش و تهاجم سیاسی افراد زیادی مثل آقای مروارید بودند. جمعیت ما خیلی بیشتر بود. طبله‌ها جوان‌تر از ما هم بودند...»

مروارید به روایت خودش

عصرگاه عاشورای ۱۳۴۲، مدرسه فیضیه قم، حجت‌الاسلام مروارید در کنار امام خمینی(ره) به هنگام سخنرانی، ۱۳۴۲، حجت‌الاسلام مروارید در کنار روحانیون دستگیرشده پس از دستگیری امام خمینی(ره)، فروردین ۱۳۴۳، قم، حجت‌الاسلام مروارید در کنار امام خمینی(ره) (پس از آزادی ایشان از حبس و حصر، ۱۳۵۷، نوفل لوشاتو، حجت‌الاسلام مروارید در حاشیه یکی از گفت‌ووشوندهای مطبوعاتی امام خمینی(ره). اینجا همگی تصاویر شیخ علی‌اصغر است که پایه‌پای امام در ماجرای انقلاب حرکت کرده است. خودش در مصاحبه‌ای کوتاه به تاریخ ۱۵ بهمن ۹۵ گفته «... من وضع روحی‌ام طوری بود که از همان اوان نوجوانی سر پرشوری داشتم... یادم هست وقتی خبر اعدام نواب را شنیدم، ناگهان احساس کردم دنیا برایم تمام شده و دیگر هیچ کسی را ندارم که بتوانم او را لگو قرار بدهم. در واقع، بذ روحیه انقلابی و مبارزاتی را مرحوم نواب در دل من پاشید. بعدها که با امام(ره) آشنا شدم، از روحیه انقلابی و شجاعتشان خیلی خوشم آمد و از همان سال‌های ظهور و بروز رگه‌های انقلابی در نهضت ایشان، به اشکال مختلف در جریان مبارزه قرار گرفتم... قبل از سخنرانی امام(ره) در فیضیه من منبر رفتم. خیلی‌ها می‌گفتند سخنرانی مروارید، امام را گرفتار کرد. بعد هم که آمدم تهران و خدا می‌داند چه خبر بود... مقدم در ساواک گفته بود عجب گرفتاری شده‌ایم! هر جا اسم خمینی را می‌شنویم، اسم مروارید هم پشت سرش هست. می‌دانستند که خیلی به ایشان علاقه دارم. در همان ایام دستگیری به من وعده داده بود که خودم روز عید تو را به دیدن آقای خمینی می‌برم. روز عید فطر، اول وقت بود که دیدم مولوی با لباس تماره‌رسمی و ماشین شیک کادیلاک مشکلی آمد و مرا صدا زد. از آنجا می‌خواست برود دربار و در مراسم سلام شرکت کند. رفتم و سوار ماشین شدم تا اتفاق رفتم به همان منزلی که امام در قیطریه تحت نظر بود. مرا به اتاق بسیار کوچکی بردند. سجاده امام باز بود و نماز عید فطر را خوانده بودند. امام(ره) به مولوی گفتند، «این چه

به «فارس» گفته بود: «ماجرای بنی‌صدر ارتباط او به بنیاد ما، درس‌ساز شد و من احساس کردم امام(ره) از این بابت از من مکدرند. در ملاقاتی که حدود یک‌سال قبل رخلتشان با ایشان داشتم گفتند، «شما برای من خاطره‌انگیز هستید و از بابت حرف‌هایی هم که در مورد بنی‌صدر می‌گویید، کسی به من چیزی نگفته و کدورتی نیست». بعد هم دعاییم کردند و عاقبت‌بخیر برایم طلبیدند که ان‌شاءالله این دعا مستجاب شده باشد! درهرحال، ایشان حقا اهل مبارزه بودند و من این صفت را در ایشان بسیار دوست داشتم و به همین دلیل هم هرجا که لازم آمد، در کنارشان پی‌ودم و تلاش خود را کردم. خداوند به دیده قبول، پذیرد.»

روایت برادر همسر مروارید

مروارید، طرفدار حضور روحانیون در قدرت نبود. اسلامی‌ترتبی، برادر همسر مروارید، دراین‌باره به «شرق» گفت: «من احساس کردم که نظر ایشان این است که امثال بنی‌صدر و بازرگان بر مصدر امور باشند، روحانیت اگر باشد و نتواند کار را به‌خوبی انجام دهد، به ضرر اسلام است و اگر هم این چهره‌ها کار خود را به‌خوبی انجام دهند و مورد حمایت روحانیت هم باشند، این به نفع اسلام است». اسلامی‌تبار هم تأیید می‌کند که بعد از طرح عدم کفایت بنی‌صدر، مروارید از سیاست کنار می‌کشد. به گفته تربتی، زندگی مرحوم مروارید پس از کناره‌گیری از سیاست چنین بود: «مشغول جمع‌آوری و بازنویسی کتاب‌های فقهی قدیمی از زمان شیخ مفید تا هزار سال بعد از آن؛ یعنی شیخ رضا همدانی شد و آنها را به‌واسطه دوستانی که در بیروت داشت، آنجا چاپ می‌کرد. کتاب‌ها عموماً از طرف حوزه خریداری می‌شدند یا در نمایشگاه کتاب عرضه می‌شد که چون چاپ بیروت بود، قیمت‌ها به دلار انتخاب می‌شد. دلیل انتخاب بیروت هم این بود که هم آنجا دوستانی داشتند و هم اینکه چاپ کتب عربی و صفحه‌آرایی آن در بیروت بهتر از ایران انجام می‌شد». به گفته تربتی، مثلاً هرآنچه را که در باب زکات یا خمس وارد شده مروارید در کتاب جمع‌آوری کرده که در حوزه مورد استقبال قرار گرفته است. او حتی کتب فقهی اهل سنت را هم جمع‌آوری کرده و در یک نسخه به رئیس دانشگاه الازهر تقدیم کرد که رئیس آن گفته بود این کار را ما باید انجام می‌دادیم؛ تا سال ۶۳ بنیادی به نام انقلاب اسلامی در اختیار مروارید بود که طبق روایت هاشمی، با فشار دادستانی و کمیته انقلاب واگذار می‌شود. مروارید در دیدارش با هاشمی تقاضای بازپرس‌گرفتن آن را داشته که ناموفق بوده است. بعد از آن دیگر ردپایی در خاطره‌ای ندارد تا لحظه فوت و تشییعش در حسینه جماران که بهانه‌ای می‌شود تا انقلابی‌های قدیم دور هم جمع شوند.

خبر

محسن رضایی: داعش در پایان راه است

● خبرآنلاین: محسن رضایی گفت: داعش در پایان راه است و برای اینکه نشان دهد هنوز جان دارد، دست به چنین اقدامات جنایتکارانه‌ای می‌زند. کار تبلیغاتی انجام می‌دهد تا بگوید من زنده هستم. جشن بزرگی که ملت عراق در آزادسازی موصل و مردم سوریه در آزادسازی حلب از خود نشان دادند، بیانگر فروپاشی کامل داعش است و این گروه هیچ‌گاه به قدرت اولیه خود برنخواهد گشت.

واکنش سپاه به ادعای آمریکایی‌ها درباره گشت‌های پهبادی

● تسنیم: روابط‌عمومی یکان پهبادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در خلیج فارس در واکنش به بیانیه روز دوشنبه (۲۳ مرداد) سخنگوی نیروی دریایی ارتش آمریکا درباره نزدیک‌شدن یک فروند پهباد ایرانی به ناو هوایمبار نیمیتز در خلیج فارس، در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: مأموریت گشت هوایی ما در محدوده کنترل پدافند هوایی کشور (A.D.I.Z) به طور معمول و روزانه با رعایت قوانین جاری انجام می‌پذیرد. این اطلاعیه با بی‌اساس خواندن ادعای آمریکایی‌ها در خطرناک توصیف‌کردن پرواز پهباد ایرانی افزوده است: پهبادهای سپاه پاسداران به استاندارد ناوبری مجهز بوده و هدایت آنها نیز به صورت دقیق و حرفه‌ای صورت می‌پذیرد و ادعای آمریکایی‌ها ناشی از ضعف سیستم‌های تشخیصی و شناسایی با فراغتی آنهاست.

سردار غیب‌پرور به مناسبت شهادت شهید حججی:

انتقام ما سخت خواهد بود

● فارس: سردار غلامحسین غیب‌پرور، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، در پیامی به مناسبت شهادت شهید مدافع حرم محسن حججی نوشته است: «... بار دیگر یکی از مردان الهی و هم‌تبار عاشوراییان در راه مبارزه با تکفیری‌های صهیونیست به فیض عظیم شهادت نائل آمد و روح پاکش با ارواح شهیدان والا مقام و حضرت آقا سیدالشهدا(ع) در ملکوت اعلی مایو گردید و از روزی الهی بهره‌مند گردید. بی‌تردید انتقام جمهوری اسلامی ایران از تکفیری‌های صهیونیستی که مرتکب این جنایت شدند و حامیان آنها، بسیار سخت خواهد بود.»

فرستی استثنایی

اقامتی به یاد ماندنی در

بابلسر ، متل عسل

ویلايي مجهز همراه با صبحانه ، ناهار ، شام

استفاده رایگان استخر ، سونا و جکوزی

استفاده رایگان تور دریایی ، بلیت‌ساز

مدت و ظرفیت محدود

۲ شب و ۳ روز

به ازای هر نفر فقط ۱۴۹/۰۰۰ تومان

داخلی ۲۲۱ ۲۹-۳۵۲۷۷۳۰۰ (۰۱۱)

همراه: ۰۹۰۲۵۴۳۶۴۶۶